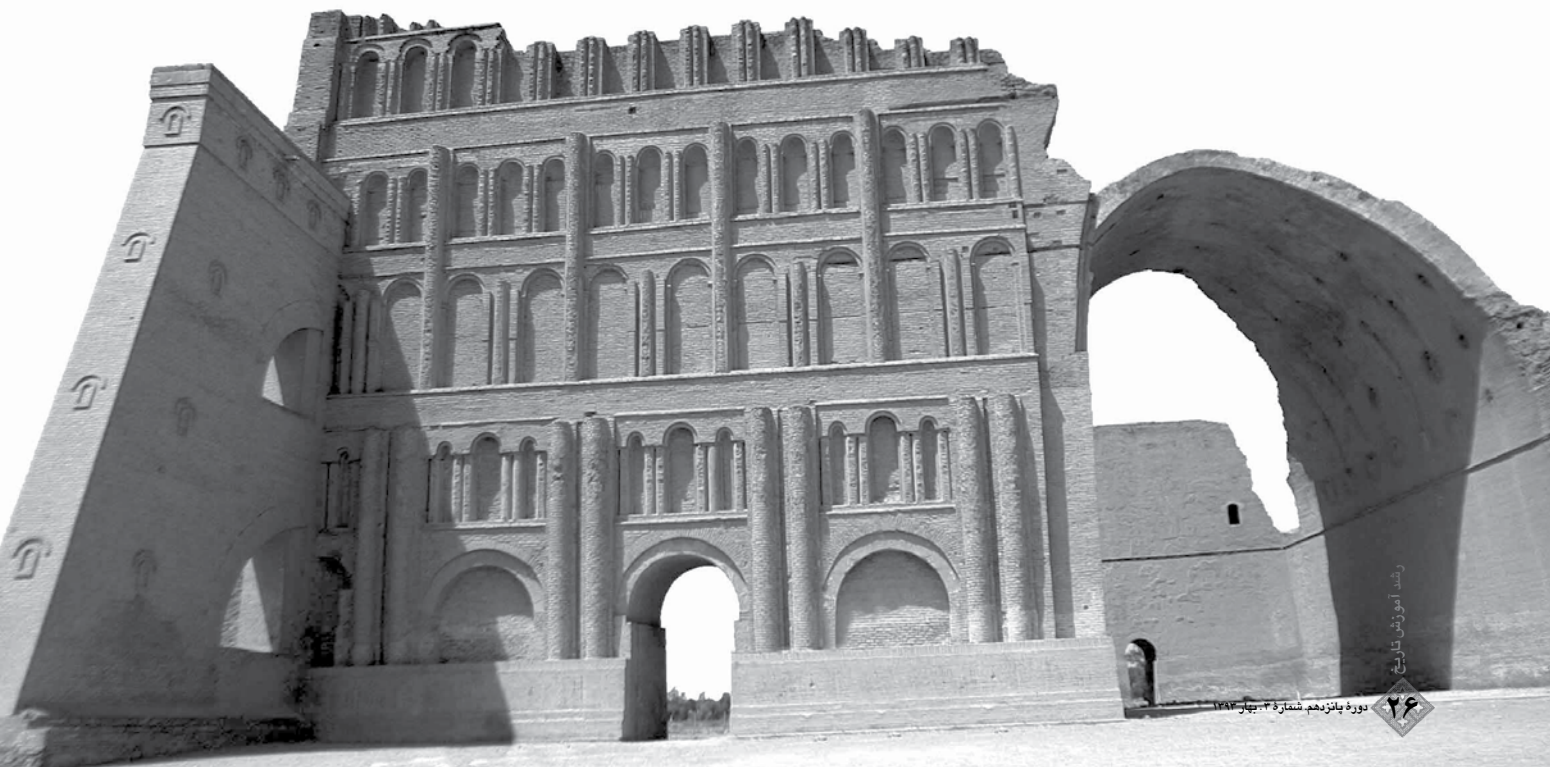


## مقدمه

قبل از ظهور دین اسلام شبه جزیره عربستان، به‌ویژه بخش جنوبی آن، محل زندگی و آمد و شد قبایل و طوایف عرب بود. از آنجا که این قبایل و طوایف از قدرت جنگاوری و سلحشوری زیادی برخوردار بودند به‌راحتی در خدمت امپراتوران ایران و روم درمی‌آمدند. براساس منابع تاریخی، موج گسترده‌ای از مهاجرت اعراب، از جنوب به شمال شبه‌جزیره عربستان، بعد از شکسته شدن سد مَرب به راه افتاد. از جمله این اقوام مهاجر به سرزمین عراق امروزی لخمیان و غسانیان را باید نام برد. لخمیان با استقرار در کنار رود فرات به تشکیل حکومت حیره اقدام نمودند. این حکومت در حیات چندصدساله خود دست‌نشانده دولت شاهنشاهی ساسانی و مجری سیاست‌های شاهان ایران در شبه جزیره عربستان بود. غسانیان نیز با استقرار در کنار مرزهای امپراتوری روم شرقی تابعیت آن امپراتوری را قبول کردند. می‌توان گفت دلیل تن‌دادن این حکومت‌های محلی به حاکمیت ساسانیان و رومیان حفظ امنیت و اقتدار خود در تحولات منطقه‌ای و جنگ و گریزهای محلی بوده تا بتوانند به حیات سیاسی خود ادامه دهند. در واقع سیاست خارجی دو قدرت بزرگ ایران و روم نیز با حیات حکومت‌های حیره و غسانیان گره خورده بود.

# دولت حیره و روابط سیاسی آن با حکومت ساسانی

علی‌پور صادقی  
دبیر تاریخ، میناب



## ملوک آل فهم

طبق نوشته‌های مورخان اسلامی، خاندان آل فهم قبل از آل لخم در حیره حاکم بودند. این خاندان نیز از جمله مهاجرانی بودند که از جنوب شبه جزیره به عراق آمده بودند. از معروف‌ترین حاکمان آن‌ها مالک بن فهم، عمرو بن فهم و جذیمه الابرش را می‌توان نام برد، که از میان آن‌ها جزیمه الابرش از همه مهم‌تر و معروف‌تر است. مسعودی مدت پادشاهی او را ۱۲۸ سال آورده که از این مدت ۹۵ سال آن در ایام فرمانروایی اشکانیان و ۲۳ سال آن در ایام اردشیر اول ساسانی و فرزندش شاپور بوده است. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۵۱).

از منابع تاریخی درباره روابط سیاسی ساسانیان با ملوک آل فهم اطلاعاتی به دست نمی‌آید و منابع تنها با ذکر نام این ملوک و اقدامات آن‌ها بسنده کرده‌اند. به نظر می‌رسد ملوک آل فهم در این زمان قدرت زیادی نداشته‌اند تا پادشاهان بزرگی مانند اردشیر اول و شاپور اول بتوانند از قدرت آن‌ها استفاده سیاسی و نظامی کنند. محدوده قلمرو آل فهم بین حیره و انبار و قدرت آن‌ها در حد یک امیر محلی بود، به طوری که به گفته صالح‌العلی آن‌ها از کاروان‌ها، در برابر غارت و چپاول راهزنان حمایت می‌کردند (صالح‌العلی، ۱۹۵۹: ۶۳).

## فرمانروایان آل لخم در حیره

با تشکیل دولت ساسانیان که آخرین دولت مقتدر ایران باستان قبل از اسلام بود، رقابت‌ها و جنگ‌های میان ایران و روم که ریشه در دوره اشکانی داشت دوباره آغاز گردید که تا آستانه ظهور اسلام و فروپاشی دو دولت ادامه یافت. این تنازعات به گسترش نفوذ ایران در منطقه حجاز و یمن منجر شد و باب تازه‌ای از روابط سیاسی میان ایران و اعراب باز کرد به طوری که رقابت‌های دیرین ایران و روم به حکومت‌های تابع این دو امپراتوری، یعنی آل منذر در حیره و غسانیان در

در این مقاله دولت حیره را که یکی از امارت‌های کوچک عرب‌نشین بود و در سیاست خارجی ساسانیان نقش مهمی ایفا می‌کرد، تا جایی که نقش و کارکرد آن در حکومت پادشاهان قدرتمندی مانند خسرو انوشیروان بیش از پیش اهمیت می‌یافت، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## کلیدواژه‌ها: حیره، منذر، ساسانیان

## موقعیت جغرافیایی

حیره شهری بود در حدود سه فرسنگی شهر کوفه امروزی و در کنار رود فرات قرار داشت. (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۸۸) اکثر جغرافی‌نویسان مسلمان سرزمین عراق را که حیره در آن واقع شده بود جزء اقلیم سوم آورده‌اند. برای مثال، بناکتی در اثر معروف خود جهان را به هفت اقلیم تقسیم کرده و عراق را جزء اقلیم سوم آورده است. (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۱۷).

بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی امروز، حیره تقریباً در ۳۲ درجه عرض شمالی و ۴۴ درجه طول شرقی واقع بوده است. هوای مطبوع حیره، به‌ویژه وجود رود فرات در کنار آن و نهرهای فراوان منشعب از آن، چون نهر کافر، نهر هندیه و نهر نجف سبب شد که این ناحیه مورد توجه اعراب و بزرگان و حاکمان قرار بگیرد به طوری که قبل و بعد از اسلام محل اقامت بزرگان دولت،

طبقات برگزیده و اشراف ایرانی بود. آن‌ها در این مکان دارای کاخ‌ها و تفرج‌گاه‌هایی بودند به طوری که گروهی از خلفای عباسی چون سفاح، منصور، هارون الرشید و دیگران نسبت به لطافت هوا و خوبی محکمی حیره و هم به جهت نزدیکی خورنق و نجف هر ساله مدتی را در آنجا به سر می‌بردند. (مسعودی ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۶۴).

عرب‌ها می‌گفتند یک شب در حیره به سر بردن از نوشیدن شربت لذت‌بخش‌تر است. (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۱۵).

شام کشیده شد. ساسانیان به منظور اینکه بتوانند در جزیره العرب اعمال نفوذ کنند در پی دست نشانده کردن شاهان حیره برآمدند؛ در عین حال حملات مکرر اعراب بیابانگرد به مرزهای ایران، پادشاهان ساسانی را به این فکر واداشت که از نیروی جنگی شاهان حیره برای مقابله با این حملات استفاده نمایند، لذا این امارت در طول دوران حیات سیاسی خود از عهده این کار به راحتی برآمد و جلوی حملات اعراب را گرفت. شاهان حیره حتی در مناطق دور دستی مانند مدینه و یمن اعمال قدرت می کردند و لذا این امارت کوچک نقشی فعال و قابل توجه در سیاست خارجی ساسانیان یافت به طوری که با از میان برداشتن این امارت توسط خسرو دوم، که خود از پادشاهان ساسانی بود، ضربه غیر قابل جبرانی به دولت ساسانی وارد کرد و سبب شد حملات اعراب به مرزهای ایران از سر گرفته شود.

### نخستین فرمانروایان حیره

اولین پادشاه حیره **عمرو بن عدی** بود که حیره را به عنوان اقامتگاه خود برگزید و از همان آغاز شکل گیری امارت خود، حیره را دست نشانده و زیر سیطره ساسانیان قرار داد.

ابن خلدون در این باره می نویسد که قبل از شاپور اول هیچ یک از شاهان ساسانی قوم عرب را به طاعت خود در نیاورده بود و این شاپور بود که عمرو بن عدی را بر حیره گماشت. (ابن خلدون ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۲)

بعد از عمرو بن عدی فرزندش **امرو القیس اول** به حکومت رسید که از معروف ترین ملوک حیره در اوایل فرمانروایی آل لخم بر حیره است. وی در دوران فرمانرواییش توانست قبایل نیرومندی مانند اسد، نزار و مذحج را تحت تابعیت خود قرار دهد و تا دروازه های شهر نجران در یمن شمالی پیشروی کند. این در حالی است که شهرهای نجران و شمر از مراکز عمده بازرگانی آن روز بودند. امرؤ القیس دریافته بود که برای دوام و بقای حکومت خود باید به مراکز بازرگانی دست یابد. این اقدامات وی به طور قطع نمی توانست بدون کمک دولت ساسانی باشد. از آنجا که هدف **شاپور دوم** در بین النهرین دستیابی به سرزمین های از دست رفته زمان **نرسی** بود به جهت اجرای این هدف به امرؤ القیس کمک های زیادی نمود به طوری که امرؤ القیس در کتیبه خود بیان می کند که تقسیم قبایل میان فرزندان را در سایه حمایت ایران انجام

پس از فوت امرؤ القیس دوم پسرش **نعمان اول**، معروف به **نعمان بن منذر**، به حکومت رسید که در میان فرمانروایان حیره از شهرت زیادی برخوردار است. بناهای عظیم سدیر و خورنق در دوران وی ساخته شد، به طوری که اعراب او را «**رب الخورنق والسدیر**»

می نامند



سنگ نگاره شاپور دوم در بیشاپور

داده است. حمزه اصفهانی و طبری مدت پادشاهی او را صد و چهارده سال نوشته‌اند که این مدت

سال‌های حکومت شاپور اول، هرمز اول و بهرام اول را شامل می‌شود. حمزه اصفهانی نیز فرمانروایی او را به زمان شاپور می‌رساند که ۲۰ سال و پنج ماه از زمان شاپور را دربرمی‌گیرد.

پس از فوت عامل شاپور دوم در حیره، فرزندش عمروبن امرؤالقیس جایگزین او شد. مدت فرمانروایی عمرو را ۳۰ سال ذکر کرده‌اند که همزمان بود با باقی‌مانده ایام شاپور دوم و همه دوران برادرش اردشیر، پسر هرمز.

پس از فوت عمروبن امرؤالقیس به دستور شاپور سوم، اوس بن قلام که از عمالقه بود به امارت حیره منسوب شد و برای مدتی کوتاه حکومت حیره از دست خاندان آل نصر (لخمیان) بیرون رفت. اینکه چرا شاپور حکومت حیره را به اوس بن قلام داد جای سؤال است، زیرا شاه فردی از عمالقی را که از کندیان بود بر سر قدرت گذاشت، و این در حالی بود که کندیان با لخمیان رقیب و دشمن بودند. برخی از محققان بر این عقیده‌اند که بعد از مرگ عمرو بر سر جانشینی وی هرج و مرجی به وجود آمد که موجب تزلزل در حکومت حیره شد و شاپور برای پایان دادن به این مشکلات اوس را بر حیره مسلط و او را با سپاهی تقویت کرد. اما قابل توجه است بدانیم که خاندان بنی نصر آرام ننشستند و فردی از آنان به نام حجنه، اوس را کشت و حکومت بار دیگر به خاندان لخمیان بازگشت. فرد مذکور مدت ۲۱ سال حکومت حیره را در دست داشت و پس از مرگ وی امرؤالقیس دوم عهده‌دار حکومت گردید. به گفته حمزه اصفهانی وی ۲۵ سال حکومت کرد و در زمان یزدگرد اول درگذشت. او را محرق اول خوانده‌اند چون با آتش کيفر می‌داد و از جمله عمروبن طوق را سوزانید. (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۰۴)

پس از فوت امرؤالقیس دوم پسرش نعمان اول، معروف به نعمان بن منذر، به حکومت رسید که در میان فرمانروایان حیره از شهرت زیادی برخوردار است. بناهای عظیم سدیر و خورنق در دوران وی ساخته شد، به طوری که اعراب او را «رب الخورنق والسدیر» می‌نامند. حکومت وی و پسرش همزمان با فرمانروایی یزدگرد و بهرام پنجم (گور) بود. رابطه عمیقی که بین نعمان و یزدگرد ایجاد شد بر شهرت او افزود و حتی یزدگرد فرزندش بهرام (بهرام گور) را جهت پرورش

از آنجا که هدف شاپور دوم در بین‌النهرین دستیابی به سرزمین‌های از دست‌رفته زمان نرسی بود به جهت اجرای این هدف به امرؤالقیس کمک‌های زیادی نمود به طوری که امرؤالقیس در کتیبه خود بیان می‌کند که تقسیم قبایل میان فرزندان را در سایه حمایت ایران انجام داده است



یافتن به نزد نعمان فرستاد و نعمان جهت بهرام کاخ خورنق را بر پا نمود. قدرت نظامی نعمان شهرت وی را دو چندان کرد چنان‌که توانست در امور داخلی ایران نیز دخالت کند، بدین ترتیب که پسرش منذر را با ۱۰ هزار نیرو به ایران فرستاد و در رساندن بهرام به تاج و تخت سلطنت از او پشتیبانی کرد. وی پس از سی سال حکومت در اواخر عمر، زهد پیشه کرد و از دنیا دوری گزید.

در دوران حکومت نعمان آیین مسیحیت رواج و رونق بیشتری یافت؛ البته اکثر مردم حیره همچنان بت پرست بودند و بت‌های بزرگی چون لات و عزّی را پرستش می‌کردند.

پس از نعمان، فرزندش منذر اول به حکومت رسید، مدت فرمانروایی وی ۴۴ سال طول کشید. وی در امر پرورش و تربیت بهرام گور همراه پدر خود نقش بسزایی داشت و حتی در لشکرکشی به ایران و رساندن

بهرام به تاج و تخت سلطنت به او کمک می‌کرد. منذر در دوران فرمانروایی خود ارتباطش را با ایران قطع نکرد، در نبردی که در سال ۴۲۱ میلادی در زمان بهرام گور بین ایران و روم رخ داد حضور داشت؛ البته علی‌رغم قولی که به بهرام داده بود که رومیان را اسیر خواهد کرد و حتی انطاکیه را

به تصرف درآورد به این کار موفق نشد و نیروهای وی دچار هرج و مرج گردیدند و راه گریز در پیش گرفتند.

چون منذر اول درگذشت فرزندش اسود به پادشاهی رسید. طبری مدت حکومت وی را ۲۰ سال دانسته است. به گفته وی اسود مدت ۲۰ سال را در اسارت (تحت انقیاد) پارسیان بود. ابن‌اثیر معتقد است که وی توسط غسانیان اسیر شد و او را کشتند. (ابن‌اثیر ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۱۰)

### منذر سوم

پس از اسود، منذر سوم به حکومت رسید که مدت فرمانروایی وی ۷ سال بود و بعد از مرگ او، نعمان دوم (نعمان بن اسود) فرمانروای حیره گردید. وی به مدت ۴ سال، در زمان قباد، فرمانروای حیره بود. نام نعمان دوم در منابع رومی بیشتر ذکر شده و این به دلیل نبردها

و درگیری‌های او با روم است. در سال ۴۹۹م وی حملاتش را علیه روم آغاز کرد و در سال ۵۰۲م همراه با قباد ساسانی در محاصره شهر آمد شرکت داشت و شهر ادسا را پس از محاصره به تصرف خود درآورد، ولی در نهایت در بیت رپس کنار رود فرات شکست خورد و یک سال بعد بر اثر زخمی که در نبرد البصیراء برداشت درگذشت. با مرگ نعمان دوم قباد بلافاصله ابویعفر نامی را از آل لخم به فرمانروایی حیره منصوب کرد. وی از خاندان‌های حکومت‌گر لخمی نبود اما علت انتخاب شدنش توسط قباد این بود که بتواند جلوی هرج و مرج در حیره را بگیرد و نظم را برقرار نماید.

منذر بن امرؤالقیس معروف به منذر ماء السماء (منذر سوم)

به قدرت رسید. مدت فرمانروایی وی از مهم‌ترین دوران‌های حکومت لخمیان در حیره بود؛ در واقع اوج قدرت لخمیان در زمان وی بود. دوران حکومت

منذر همزمان با پادشاهی خسرو انوشیروان بود. حمایت شاهنشاه ایران از منذر و هوش و ذکاوت و مهارت وی در فنون جنگی باعث گردید که به قدرت بلامنازع دست یابد به طوری که پروکوپئوس مورخ رومی که در زمان قباد و انوشیروان می‌زیسته درباره اقدامات وی می‌نویسد: ((منذر مدت ۵۰ سال

دولت روم را مستأصل کرده و قدرت وی آنان را در برابر خود به زانو درآورده بود، زیرا از مرزهای مصر گرفته تا حوالی بین‌النهرین همه جا متصرفات روم را عرضه تاخت و تاز خود قرار داده بود)) (پروکوپئوس، ۱۳۳۶: ۸۹)

منذر در دوران فرمانروایی قباد در اکثر نبردها وی را یاری کرد. او انطاکیه را فتح کرد و در نبرد کوماژن هم با قباد همراه بود. در سال ۵۱۹م منذر به سرزمین‌های روم یورش برد و دو تن از فرماندهان روم به نام دیموستراتوس و یوحنا (جان) را به اسارت گرفت و مبلغ هنگفتی گرفت تا آن‌ها را رها ساخت.

(پروکوپئوس، ۱۳۳۶: ۹۰)

نقش منذر در سیاست خارجی ایران در دوره انوشیروان قابل ملاحظه است. آن چنان که ایران برای پیش‌برد اهداف خود از قدرت او استفاده می‌کرد. انوشیروان پس از چندین سال صلح با رومیان، چون از پیشرفت آن‌ها در اروپا و آفریقا

### اقدام خسرو پرویز در برانداختن خاندان

#### لخمی از حکومت حیره یک اشتباه سیاسی

#### بود، چرا که اعراب بادیه‌نشین و سرکش بعد

#### از قتل نعمان با ایران به طور مستقیم همسایه

#### شدند، خصوصاً وقوع نبرد ذوقار بین اعراب و

#### ایرانیان بر تهور اعراب افزود و آن‌ها تعرضات

#### خود به خاک ایران را آغاز کردند.

آگاه شد، تصمیم گرفت قبل از اینکه رومیان به خاک او بتازند نبرد آن‌ها را آغاز کند، از این رو انوشیروان منذر را احضار کرد و دستور داد که به سرزمین‌های اعراب تابع روم (غسانیان) بتازد. منذر پذیرفت و به بهانه اینکه فرمانروای غسانیان (حارث) که طرفدار رومیان بود به سرزمین‌های او، خصوصاً زمین خشک و بایری به نام استرتا، تعرض کرده‌اند، حمله را آغاز کرد. انوشیروان هم خود بهانه دیگری به دست آورد مبنی بر اینکه ژوستینی نیان (امپراتور روم) قبایل هون را علیه ایران تحریک نموده است و رئیس قبایل مذکور که به ایران وفادار بود عین نامه را برای انوشیروان فرستاد. به هر حال دولت

ایران بهانه‌های لازم را جهت نبرد با رومیان پیدا کرد، صلح شکسته شد و سال‌ها جنگ و خون‌ریزی بین ایران و روم ادامه یافت تا اینکه رومی‌ها با قبول شرایط صلح را پذیرفتند. پس از قتل منذر پسرش عمروبن منذر (عمروبن هند) به قدرت رسید. وی چون پادشاهی سنگدل و بی‌رحم و دارای اخلاق بسیار بدی بود به او «مضرط الحجاره» لقب داده‌اند. وی به بهانه قصاص خون پدرش حملاتی را علیه غسانیان آغاز کرد و به سوریه

حمله برد و توانست امرؤالقیس فرزند منذر و برادرش را از اسارت نجات دهد. در سال‌های ۵۶۷-۵۶۶ میلادی بار دیگر برادرش قابوس را جهت تنبیه رومیان به خاک روم فرستاد، زیرا رومیان در قسطنطنیه نسبت به فرستاده او برای مذاکره با قیصر بر سر پرداخت خراج بدرفتاری کرده بودند. (جوادعلی، ۱۹۶۹، ج ۴: ۷۹)

جنگ‌های گوناگون دیگری هم به عمروبن منذر نسبت داده‌اند؛ نبردهایی با رومیان، غسانیان و نیز دیگر قبایل عرب چون تغلب و طی. عمروبن منذر در نهایت توسط عمروبن کلثوم، شاعری که مدح وی را گفته بود، کشته شد. آنگاه برادرش قابوس به حکومت رسید و به مدت ۴ سال، در زمان انوشیروان، فرمانروایی کرد. در حملاتی که قابوس به سرزمین

غسانیان انجام داد چندان پیروز و موفق نبود چون رقیب دولت حیره هنوز قدرتمند بود. در یکی از این حملات، وی در روز عید مسیح به سرزمین غسانیان حمله کرد ولی منذر بن حارث، فرمانروای غسانیان، او را شکست داد و حتی خویشان قابوس را به اسارت برد و تا نزدیک حیره پیش آمد و خاک آن‌ها را اشغال کرد. چون منذر بن حارث بر امپراتوری روم یاغی شد و از مرزهای روم شرقی محافظت نمی‌کرد، قابوس که به فکر تلافی شکست خود بود توانست به مملکت غسانی دست‌اندازی کند و انطاکیه را غارت نماید. آذرماهان سردار ایرانی در این یورش ۲۹۲ هزار نفر اسیر گرفت و آنان را به ایران

انتقال داد. (مشکور، ۱۳۶۶،

ج ۲: ۹۰۷) پس از مرگ قابوس، شاهنشاه ایران یک نفر ایرانی به نام سهراب را، به معاونت یک عرب مسیحی به نام زیدبن عدی، برای مدت یک سال و به‌طور موقت بر امارت حیره نشانند. احتمالاً پس از مرگ قابوس بر سر جانشینی او اختلاف پیش آمده و شاه برای ایجاد آرامش موقتاً سهراب (فیشهرت) را به امارت حیره منصوب کرد. اما از آنجا که اعراب دست‌نشانده ایران همواره



سکه طلا، دوره ساسانی

تمایل داشتند که حکومت در خاندان لخمیان باقی بماند نه در دست یک ایرانی، با کمک زیدبن عدی منذر چهارم را به حکومت رساندند. منذر چهارم ۴ سال حکومت کرد که هشت ماه آن همزمان با سلطنت انوشیروان و بقیه مصادف با زمان هرمز پسر خسرو انوشیروان بود. (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۱۲) از مهم‌ترین رویدادهای زمان منذر بن منذر (منذر چهارم) نبرد بین او و منذر غسانی است که به نبرد حلیمه معروف شد. در این نبرد جوانی به نام لبید که سودای ازدواج با هند دختر منذر غسانی را داشت به نبرد با منذر چهارم پرداخت و او را به قتل رساند. پس از قتل منذر سپاه لخمی شکست خورد و حیره به تصرف منذر غسانی در آمد و آن را به آتش کشید. حیره از زمان مرگ عمروبن هند تا زمان امارت نعمان بن منذر در ضعف و سستی به سر

## زوال آل لخم

یکی از اقدامات نعمان که باعث شده است منابع عربی و شعرای عرب به تفصیل در مورد آن سخن‌پردازی کنند، کشتن عدی بن زید شاعر و مترجم معروف دربار ساسانی است. این اقدام وی سرآغاز وقایع و تحولاتی در حیره گردید که در نهایت با علل و عوامل دیگر دست به دست هم داد و زمینه قتل نعمان را فراهم کرد. عدی بن مرینا در جریان انتخاب حاکم حیره توسط شاه ایران نتوانست فرد مورد نظر خود (اسود) را به فرمانروایی برساند و رقیب وی عدی بن زید موفق شد فرمانروا شود. عدی بن مرینا سعی می‌کرد آتش کینه و نفرت نعمان را علیه عدی بن زید مشتعل‌تر سازد. وی سرانجام موفق شد و نعمان، عدی بن زید را به زندان انداخت و او را در آنجا به قتل رساند. زمانی که فرستاده خسرو پرویز برای رهایی عدی به نزد نعمان آمد، به فرستاده خسرو رشوه داد که به کسری بگوید عدی پیش از آمدن وی مرده بود. علاوه بر مسئله

قتل عدی بن زید عوامل دیگری نیز وجود داشت که منجر به قتل نعمان گردید که در این مختصر نمی‌توان بدان پرداخت.

به هر حال اقدام خسرو پرویز در برانداختن خاندان لخمی از حکومت حیره یک اشتباه سیاسی بود، چرا که اعراب بادیه‌نشین و سرکش بعد از قتل نعمان با ایران به‌طور مستقیم همسایه شدند.

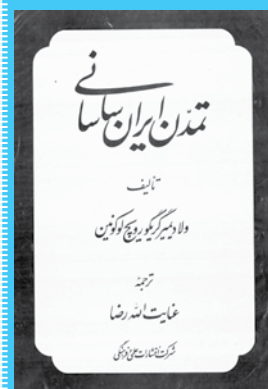
می‌برد به طوری که ملوک حیره پی‌درپی در نبردها از غسانیان شکست می‌خوردند. این ضعف و سستی تا زمان نعمان بن منذر ادامه داشت و با شروع حکومت وی حیره مجدداً رونق خود را به دست آورد.

## نعمان بن منذر

پس از مرگ منذر چهارم برای مدت کوتاهی شخصی به نام قبیصه زمام امور حیره را در دست گرفت تا اینکه نعمان بن منذر به قدرت رسید. او آخرین فرمانروای معروف حیره است که اخبار و روایات فراوانی درباره اعمال و رفتارش به ما رسیده است.

درباره برگزیدن نعمان به فرمانروایی حیره از طرف خسرو پرویز، مورخان اسلامی، چون یعقوبی، طبری، مسعودی و حمزه اصفهانی با کمی اختلاف نظر به شرح این واقعه پرداخته‌اند. همان‌طور که بیان کردیم پس از مرگ منذر چهارم شاه ایران به‌طور موقت قبیصه را به امارت حیره منصوب کرد. خسرو دوم در انتخاب یکی از سیزده فرزند منذر چهارم مردد بود تا اینکه به پیشنهاد عدی بن زید (مترجم خسرو دوم) همه فرزندان منذر به نزد کسری آمدند. در ملاقات و گفت‌وگوهایی که بین سیزده فرزند منذر با شاه ایران صورت گرفت، نعمان جوابی

مناسب و شایسته داد و خسرو دوم او را به امارت حیره منسوب کرد و به گفته طبری، به او تاجی داد که شصت هزار درهم بها داشت و به مروارید و طلا آراسته بود. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۷۴۹ و ۷۴۸). در زمان نعمان جنگ‌های زیادی میان حیره و اعراب رخ داد که بیشتر این نبردها به علت وجود کاروان‌های تجاری نعمان بود. مهم‌ترین ویژگی حکومت نعمان بن منذر گسترش بازرگانی و تجارت در دوره اوست که باعث رونق حیره گردید. یکی از نبردهای نعمان که به‌خاطر کاروان‌های تجاری رخ داد نبرد **سلان** نام دارد. در این نبرد **بنی عامر** که به کالاهای نعمان در مسیر بازار عکا دستبرد زده بودند، توانستند سپاه نعمان را شکست دهند. از دیگر ناکامی‌های نعمان در برابر اعراب نبرد یوم طخفه است که بنی یربوع او را شکست دادند. در این نبرد قابوس پسر نعمان و برادرش حسان اسیر شدند.



خصوصاً وقوع نبرد ذوقار بین اعراب و ایرانیان بر تهور اعراب افزود و آنها تعرضات خود به خاک ایران را آغاز کردند.

## آخرین فرمانروایان حیره

پس از قتل نعمان، ایاس بن قبیصه از طرف شاه ایران به امارت حیره منصوب شد. وی از قبیله طائی (طی) بود و زمانی که خسرو دوم از بهرام چوبین شکست خورده و در حال فرار به روم بود ایاس به او کمک کرد و اسب و شتری به او پیش کش کرد. بعداً خسرو به پاس این خوش خدمتی حکومت حیره را به او داد. ایاس در جنگ‌های بین ایران و روم خسرو را یاری داد و شاهنشاه او را برای جنگ با رومیان به «ساتیدما» که رودی در نزدیکی ارزن است فرستاد و او در این جنگ رومیان را شکست داد.

از مهم‌ترین حوادث و وقایع زمان وی نبرد ذوقار بود که بین اعراب بادیه‌نشین و ایرانیان صورت گرفت. خسرو پرویز پس از قتل نعمان از ایاس خواست که ماترک

نعمان را از هانی بن مسعود بگیرد ولی هانی از دادن آنها خودداری کرد. او با متحد کردن

چند قبیله با یکدیگر توانست ایرانیان را شکست دهد.

اگرچه این شکست برای ایرانیان ناچیز و کم‌اهمیت بود ولی نزد اعراب اهمیت

زیادی داشت به طوری که داستان ذوقار در افسانه‌ها و اشعار

عرب در زمره «ایام العرب» قلمداد گردید.

پس از ایاس حکومت حیره به یک ایرانی به نام آزاده (زادویه) داده شد که هفده سال در حیره فرمانروایی کرد. پس از او یکی از فرزندان نعمان به نام منذر پنجم (مغرور) منصب پدر را در اختیار گرفت تا وقتی که خالد بن ولید در نبرد جواثا او را به قتل رساند. وی آخرین فرمانروای حیره از خاندان‌های لخمیان بود. حیره توسط خالد بن ولید تسخیر شد و به سرزمین‌های فتح شده مسلمانان پیوست. پس از تسلط مسلمانان بر حیره از ارزش و اهمیت این شهر و ناحیه کاسته شد و رو به نیستی و زوال نهاد و شهرهای دیگری، از جمله کوفه، جایگزین آن گردیدند. اکنون از آن حیره تل خاکی بیشتر باقی نمانده است.

### منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، الکامل، ترجمه محمد حسین روحانی، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲. ابن خلدون، العبر ترجمه عبدالمحمد آیتی، ناشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳. ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
۴. اصفهانی، حمزه بن حسن، سنی ملوک الارض الانبیاء، مترجم دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶.
۵. بناکتی، روضة اولی‌الالباب فی معرفة التواریخ والانساب، به کوشش دکتر جعفر شعار، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۸.
۶. پروکوپیوس، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۶.
۷. جواد علی، المفصل تاریخ العرب قبل الاسلام، نشر دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۶۹ میلادی.
۸. حمودی، یاقوت، معجم البلدان، به تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۹. صالح‌العلی، احمد، محاضرات فی تاریخ العرب، نشر المعارف، بغداد، ۱۹۵۹ میلادی.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۱۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۲. مشکور، محمد جواد، تاریخ سیاسی ساسانیان، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۳. مقدسی ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی‌نقی منزوی، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۱.
۱۴. یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۴.

